

فصلنامه جهان نوین

سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۵۹-۷۴
شماره شایا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)
No 4, 2 021 , P 59-44
(ISSN) : 2645 - 3479 c

نقش اخلاق سیاسی در مدل حکمرانی و مدیریت امام علی (ع)

پوریا فرح گل^۱، آرزو صالحی فر^۲، فاطمه زارع مؤیدی^۳

چکیده

اخلاق مانند استراتژی تعاریف زیادی دارد و به تعداد افراد جهان می‌توان از آن تعبیری کرد. از مواردی که اخلاق بسیار عرصه جولانگاه می‌یابد، سیاست است. اخلاق سیاسی امری است که با توجه به تغییرات دنیای امروزی، ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که شیعیان جهان از مولای علی (ع) و آموزه‌های ایشان بسیار الگوبرداری می‌کنند، لذا در عرصه ملکه شدن اخلاق سیاسی بهتر است از سازوکارهای ایشان بهره ببرند. در این مقاله با روش کتابخانه‌های و مروری به مباحثی چند از این حوزه پرداخته شد. با منابع مطالعاتی متفاوت مشخص گردید که تمامی مؤلفه‌های بررسی شده با درک عمیق از اصول دین و فروع دین و همچنین متغیرهای نهفته در آن‌ها پیروی می‌کنند.

کلیدواژه: اخلاق، سیاست، اخلاق سیاسی، حکمرانی و مدیریت، امام علی (ع)

۱ - دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، گروه مدیریت تحول و تعالی، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

۲ - دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، گروه مدیریت، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۳ - کارشناسی ارشد MBA گرایش استراتژی، پردیس بین‌الملل دانشگاه تهران، کیش، ایران

مقدمه

مبنای اخلاق از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) حق‌مداری و دستورهای الهی است. امام به‌طور کلی تابع فرمان‌های الهی بود و اصول اخلاقی را در زندگی فردی و سیاسی خود کاملاً رعایت می‌کرد (عایدی، ۱۳۷۹). اخلاق و سیاست از مهم‌ترین مقولاتی است که بشر همواره در مسیر زندگی‌اش به آن محتاج بوده است (پویا و صیادی، ۱۳۹۵). آنچه در مکتب امام علی (ع) مفهوم سیاست را تعالی بخشیده و رابطه آن را با ارزش‌های اخلاقی تضمین کرده است، خاستگاه مشترک به نام «حق الهی» است که موضوعاتی مانند حکومت، رابطه متقابل زمامدار و مردم، مسائل حقوقی و تکالیف ناشی از آن را به یک رشته می‌کشد و عنصر سیاست را چونان وجهی الهی به تصویر می‌کشد و وظیفه انسان دانا و معتقد را مشخص می‌کند (پروانه‌زاد و میراحمدی، ۱۳۹۱). در دیدگاه امام علی (ع) سیاست مبتنی بر اخلاق، دارای اصولی است که با رعایت آن‌ها پیشرفت جوامع را به ارمغان می‌آورد. برخی از این اصول عبارتند از: رعایت عدالت و انصاف بین مردم، پرهیز از دنیا دوستی و دنیا پرستی، رعایت رفق و مدارا در رفتار با مردم، تناسب مقام‌ها با توجه به میزان برخورداری از فضایل اخلاقی، حاکم نمودن اخلاق بر سیاست، وفاداری به پیمان و شعارهای حکومتی، برخورد صادقانه با مردم و پرهیز از فریب‌کاری با آنان (مولوی، ۱۳۹۵).

بدون تردید پس از حکومت پیامبر (ص) برجسته‌ترین الگوی حکومتی در اسلام را باید دوره حکومت امام علی (ع) دانست که با تعریفی متفاوت از سیاست، همه جریان‌ها و ساختارهای حکومت را در درون اخلاقیات اسلامی معنی‌دار کرد؛ به ویژه اینکه امام علی (ع) تنها معصوم در تاریخ اسلام است که در رأس حکومت قرار گرفته است (درخشه، ۱۳۹۱). نگاه علی (ع) به سیاست، نگاهی توحیدی و الهی است. رویکرد بنیادین در حکمت سیاسی علی (ع) عبارت است از سیاست آن‌گونه که باید باشد. تلاش سیاسی در نگاه امام فقط به قصد احراز قدرت نیست. در فلسفه سیاسی علی (ع) توجه به آخرت و اصالت آن، اخلاص، پرهیز از دنیاگرایی و رعایت اصول اخلاقی و سیاسی مطلوب شمرده می‌شود (سلطان محمدی و سلطان محمدی، ۱۳۹۱). رعایت اخلاق در عرصه سیاست، از مسائل و موضوعاتی است که روز به روز اهمیت آن برای همگان آشکارتر می‌شود. در یک نظام اسلامی که اسلام و قوانین الهام‌بخش آن پایه اصلی و جزء لاینفک آن است، بیش از هر چیز توجه به اصول و آموزه‌های اخلاقی ضرورت دارد (مشکوری و صدرا، ۱۳۹۵). بنابراین بررسی اخلاق سیاسی امام علی (ع) موضوعیت دارد و هدف از این مقاله بررسی آن می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از آن جهت که به تلفیق یافته‌های پژوهش‌های پیشین روش‌شناسی تحقیقات مروری با روش کیفی می‌پردازد، مروری است.

مقاله مروری نوعی از مقالات پژوهشی است که ضمن برخورداری از اهداف، انواع و روش‌های علمی متنوع، مرور ادبیات مستقل هدف آن می‌باشد. برای این مهم با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌های، مرورها از مقالات متعدد بررسی شد.

رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست و کارکرد آن در تولید قدرت نرم قدرت نرم، برآیندی از چهره مثبت و لطیف قدرت است که در آن جلوه مثبتی از سیاست‌ها ارائه می‌شود؛ به طوری که مردم بدون هیچ اجبار و اکراهی، اهداف حکومت را محقق سازند. امام علی (ع) به شدت و سرسختانه به رعایت ارزش‌های اخلاقی پایبند بوده‌اند و رویکرد آن حضرت به اخلاق در حوزه سیاست، بر پایه چهار اصل «اصالت اخلاق و عدم استفاده ابزاری از آن»، «ثبات ارزش‌های اخلاقی و انعطاف‌ناپذیری آن حتی در حادترین شرایط سیاسی»، «کنترل و مهار قدرت توسط اخلاق» و «همبستگی و پیوستگی اخلاق و سیاست» استوار است. این رویکرد سبب نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه شده و مانع بروز فساد در مراکز تجمع قدرت و سیاست خواهد بود و به همین دلیل، کارایی و کارآمدی بالایی در تولید قدرت نرم دارد. شناخت رویکرد علوی به اخلاق، اشکالات نظریه قدرت نرم هم‌چون نگاه ابزاری و سودگرایانه به اخلاق، نسبی و سلیقه‌ای بودن ارزش‌ها و جدایی اخلاق از سیاست را بیش از پیش آشکار می‌سازد (شنایی و طباطبایی، ۱۳۹۸).

اصول اخلاقی و تربیتی برخورد با دشمنان در سیره امیرمؤمنان (ع) برخورد درست و اصولی با هر پدیده‌ای، نقش بسیار مهمی در رسیدن به اهداف از راه صحیح دارد. از جمله این پدیده‌ها، رفتار در برابر دشمنان است که اگر طبق مبانی اخلاق و تربیت اسلامی صورت گیرد، یکی از عوامل موفقیت و اقتدار واقعی در میدان نبرد خواهد بود. در مقابل بی‌توجهی در این زمینه، گاه باعث ضررهای جبران‌ناپذیری می‌شود. از آنجایی که برخورد صحیح در برابر دشمنان از مسائل اساسی و مهم فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید و با توجه به اصول اخلاقی و تربیتی، در این جا به ۱۰ اصل از اصول اخلاقی و تربیتی اسلامی با توجه به رهنمودهای امیرمؤمنان علی (ع) پرداخته می‌شود. این اصول عبارتند از:

هدایت‌گری، ادب، نیکی به اسیران، احترام به اندیشه‌ها، مجازات، عفو و گذشت، عدالت، صلح‌طلبی، وفای به عهد و عدم اعتماد می‌باشند (احمدیان احمدآبادی و فراهتی، ۱۳۹۴).

آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی مدیران در اندیشه و سیره امام علی علیه‌السلام با تأکید بر نهج‌البلاغه شناخت و بازکاوی اندیشه‌های سیاسی حضرت علی (ع) که وارث یک نظام سیاسی و اقتصادی فاسد به تمام معنا بود؛ ولی توانست در مدتی کوتاه یک دستگاه اداری سالم را پایه‌ریزی نماید و تحولی بزرگ در تاریخ را بوجود آورد، می‌تواند چراغ راهی به روی تمام حکومت‌ها بگشاید که بتوانند با الهام از نظریه‌های علوی، یک نظام اداری

سالم را پایه‌ریزی نمایند. لذا با تدبیر و تأمل در احادیث نبوی و کلام گهربار نهج‌البلاغه، چنین برداشت می‌شود که: سرمنشأ اصلی گسترش فساد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه، در حکمرانی افرادی سراسر غرق در فساد اخلاقی می‌باشد و از این جا می‌توان به اهمیت و ضرورت توجه به ارزش‌های اخلاقی در میان مردم و در مرتبه بالاتر، در میان حاکمان و مدیران جامعه پی برد. امروزه بیش از هر زمانی، شناخت انحرافات و رهایی انسان‌ها از دام این وسوسه‌های شیطانی، باید در اولویت کارها باشد و دانشمندان و علمای اخلاق و سیاست در این موضوع قلم‌فرسایی نمایند؛ زیرا سلامت یا انحراف جامعه در گرو عملکرد حاکمان و مدیران جامعه است و آنان همچون رودخانه پهناوری هستند که رودهای کوچک از آن‌ها منشعب می‌شوند و هرگاه این رودخانه پهناور گل‌آلود و کثیف شود، رودهای کوچک نیز کثیف و گل‌آلود خواهند شد (صفی‌لو و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مسائل بسیار مهم در آسیب‌شناسی اخلاقی و رفتارهای سازمانی کارگزاران حکومت، جهت‌گیری ایشان نسبت به خواص و یا به تعبیری، نخبگان است که بسیار چالش برانگیز بوده و در صورت بی‌توجهی، آفت‌های فراوانی در پی دارد. این آسیب در منابع اسلامی از جمله: کتاب شریف نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفته است که از جهت شناسایی گونه‌های خواص و نیز چگونگی جهت‌گیری شایسته کارگزاران نسبت به ایشان بسیار کاربردی است و باید مورد بررسی قرار گیرد. آسیب‌های خواص به دو دسته «آسیب‌های مشترک» و «آسیب‌های اختصاصی» تقسیم می‌شوند که آسیب‌های مشترک، آفتی از قبیل تکبر، حسد، سطحی‌نگری و ... دارد که همگان در معرض آن هستند و آسیب‌های اختصاصی شامل آفتی نظیر: منزلت اجتماعی، فضاسازی معاندان و جهت‌گیری نادرست کارگزاران حکومت است که فقط نخبگان به سبب برخورداری از جایگاه اجتماعی ویژه، ممکن است به آن دچار شوند (شریفی و فائق، ۱۳۹۴).

اخلاق سیاسی از منظر نهج‌البلاغه

از نظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، اخلاق با سیاست با هم رابطه داشته و سیاست مبتنی بر اخلاق است و این رابطه آنچنان محکم و قوی است که می‌توان آن را «سیاست اخلاقی» نامید و بر همین مبنا وظایف اخلاقی متقابل مردم و دولت را بیان نموده است. در اخلاق سیاسی نهج‌البلاغه، دولت‌مردان موظف‌اند برای ثبات و استقلال حکومت و نظام اسلامی تلاش نمایند و نسبت به مردم مهربان باشند، با عدالت رفتار نمایند، امانت‌دار باشند و با آنان در مسائل مهم سیاسی مشورت نمایند و مردم موظف‌اند با رهبری و دولت اسلامی بیعت نمایند و از او اطاعت نمایند و به عهد و پیمان وفادار باشند و از او اطاعت و حمایت کنند و وحدت و یکپارچگی را حفظ نمایند (شریفی، ۱۳۸۹). به منظور درک آموزه‌های امیرالمؤمنین (ع) باید توجه شود که مبنای اندیشه حضرت، وحی و آموزه‌های الهی بوده و معیار برای همه چیز و همه کس، حق است. حضرت حکومت را تا زمانی مشروع می‌داند که در پی حق باشد. بنابراین جامعه بشریت همواره نیازمند بهره‌مندی از حکومت‌های الهی است تا با استفاده از روش و نگرش و رویکرد

صحیح در مسیر پیشرفت دین و تکامل بشر بکوشد و به هدف والای خلقت انسان و رضایت و خشنودی پروردگار عالم دست یابد (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴). نهج‌البلاغه همه‌اش درس است، ولی درس‌هایی که از نامه‌ها می‌آموزیم بهترین آیین کشورداری و سیاست‌مداری را در برابر ما ترسیم می‌کند. اکنون با کمی تأمل متوجه می‌شویم که سیاست و اخلاق علوی چنان در هم تنیده که به هیچ وجه نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کرد. حضرتش افزون بر اینکه خود در زندگی فردی و اجتماعی بهترین الگوی اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی بود، توانست در فرصت کوتاه دوران زمامداری که از پر دغدغه‌ترین دوران زندگی‌اش بود و جنگ‌های تحمیلی ناکثان و قاسطان و مارقان که اوقات شریفش را تقریباً پر کرده بود، عالی‌ترین و کامل‌ترین رهنمودها را ارائه دهد (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹). احکام اخلاقی آن دسته از قواعد رفتاری هستند که معیارهایی برای تشخیص خوب از بد و درست از نادرست ارائه می‌دهند. اخلاق سیاسی هم قواعد رفتاری حاکم بر سیاست را مشخص می‌کند. نسبت اخلاق و سیاست یکی از مهم‌ترین مباحث اندیشه سیاسی بوده است. در میان اندیشمندان، ارسطو قائل به تقدم اخلاق بر سیاست بود و باید گفت که در بین اندیشمندان شیعه هم رویکرد تقدم اخلاق بر سیاست جایگاه ویژه‌ای دارد. در این میان ویژگی منحصر به فرد دریافت اخلاقی امام علی از سیاست این است که ایشان در مقام عمل هم توانست تقدم اخلاق بر سیاست را نشان دهد. اهمیت این موضوع در این است که التزام اخلاقی در سیاست بسیار دشوار می‌باشد، واقعیت این است که صداقت کالایی کمیاب در سیاست است و از این بُعد، امام علی در عمل سیاسی منحصر به فرد می‌باشد. اساس رویکرد اخلاقی امام به سیاست و حکومت، اعتقاد توحیدی ایشان است. حقیقت‌خواهی و عبودیت مطلق الهی موجب می‌شود که ایشان نگاهی ژرف به جایگاه اخلاق در سیاست داشته باشد و همواره آن‌ها را به عنوان امری بسیار مهم مورد تأکید قرار دهد. ایشان در راستای نگرش اخلاقی به سیاست و ضرورت آن، مؤلفه‌های سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند که برخی از آن‌ها مربوط به جهان‌بینی الهی ایشان است که بندگی مطلق خدا، توجه به آخرت، تأکید بر اصول اخلاق فردی، نفی قدرت‌طلبی، توجه و تأکید بر عدالت، ضرورت اجرای حدود الهی، توجه به حقوق و کرامت انسانی از جمله مهم‌ترین عناصر این نگرش می‌باشد که موجب می‌شود اخلاق زمامداری خاصی پدید آید که در آن معنا و مفهوم سیاست به‌طور کامل دگرگون می‌شود. حضرت علی نه تنها از لحاظ نظری به دنبال آموزه‌هایی است که سیاستمداران و دولتمردان را به تبعیت از اصول اخلاقی ملزم می‌کند و آنان را نسبت به پیامدهای سخت عملکردهای غیراخلاقی هشدار می‌دهد، در سیاست عملی هم به هیچ عنوان از اصول اخلاقی که به لحاظ نظری و به‌طور عمیق و اثرگذاری بر آن تأکید کرده است، عدول نمی‌نماید. این در حالی است که امام در دوران خلافت خود با دشمنانی روبرو بود که سبک حکومت و حرکت آنان با اصول اخلاقی فاصله فراوانی داشت و دائماً در حال عهدشکنی و زیر پا گذاشتن اولیه‌ترین اصول اخلاقی بودند.

در واقع آنچه امام علی را از دیگران متمایز می‌کند، پیوند نظر و عمل و گفتار و کردار در روش حکومتی ایشان است (رنجبر، ۱۳۸۷).

ویژگی‌های نخبگان سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)

حوزه سیاست و نهاد حکومت، مهم‌ترین رکن یک جامعه به شمار می‌روند و طبیعی است که در یک جامعه اسلامی، سیاست و حکمرانی باید براساس اصول و چارچوب‌های دین اسلام و در راستای اهداف آن صورت گیرد. برای اینکه یک نظام سیاسی بتواند در چارچوب اصول اسلام و در جهت اهداف آن حرکت کند، باید نخبگان سیاسی و مدیران دارای ویژگی‌های خاص مورد نظر اسلام باشند تا به لحاظ منطقی و روشی بتوانند در آن راه گام بردارند. این ویژگی‌ها از دیدگاه حضرت علی (ع) به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، ویژگی‌های عقلی و واقعی که لازمه جوامع بشری است. دسته دوم، ویژگی‌های اخلاقی و انسانی است که انسان‌ها و جوامع ارزش محور به آن‌ها معتقد و پایبند هستند، که عبارتند از:

اول پایبندی به اصول سیاست و حکمرانی شامل چهار اصل؛ دوم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی شامل شش ارزش مهم و اساسی؛ سوم وسعت دید، سعه صدر و تحمل شامل پنج ویژگی نگرشی و راهبردی در برخورد با سایر انسان‌ها و مخالفان و دشمنان. ویژگی‌های دسته سوم تا حدودی مختص ادیان الهی و اسلام‌اند و ریشه در تعالیم الهی و سیره سیاسی حضرت علی (ع) دارند. این ویژگی‌ها عبارتند از: اول، برخورداری از ملکات و فضایل اخلاقی شامل چهار فضیلت مهم در حوزه اخلاق اجتماعی؛ دوم، نگرش دین‌مدارانه به قدرت شامل دو اصل در زمینه انگیزه قدرت و اصول اخلاقی؛ سوم، نگرش زاهدانه به دنیا و زندگی شامل دو شیوه برخورد با دنیا؛ چهارم، تعامل کریمانه با مردم شامل پنج راهبرد اساسی در تعامل حاکمان با مردم (علیخانی، ۱۳۸۰).

امام علی (ع) در فرمایشات گهربارشان صفات اخلاقی پسندیده مدیران اسلامی را خدامحوری، تقوی‌گرایی، بصیرت، بینش سیاسی، رعایت عدل و انصاف و امانداری، حُسن خلق، رفق و مدارا، قاطعیت، انتقادپذیری، تغافل، امیدواری، صبر و استقامت، مردم‌گرایی، تواضع و فروتنی، رعایت تساوی و عدالت رفتاری، بی‌توجهی به لذایذ دنیوی، عقل، نظم، رسیدگی به حال محرومان مطرح نموده‌اند و همواره عمل به آن‌ها را به مدیران و کارگزاران خود به صورت نامه و دستورالعمل آموزش داده و گوشزد نموده‌اند (نازی، ۱۳۸۲).

اصالت فرد در اندیشه سیاسی امام علی (ع)

اصالت فرد معمولاً در کنار اصالت جامعه به کار می‌رود و دارای معانی متعدد می‌باشد. یکی از مفاهیمی که در مورد این واژه به کار رفته است، حقیقت بودن چیزی که اصل نامیده می‌شود و دیگری تابع آن محسوب می‌گردد. از آنجایی که انسان موجودی است که او را حیوان ناطق نامیده‌اند، موجودی که دارای عقل و اراده بوده و از طریق

فکر و اندیشه برای چگونگی زیستن خود تصمیم می‌گیرد. فردگرایی در اندیشه امام علی (ع) و نقش او در جامعه به خوبی تبیین شده است، ایشان می‌خواهد جامعه‌ای سالم بسازد اما جامعه بدون نظر و اراده افراد آن امکان تغییر نخواهد داشت، حال این تغییر مثبت باشد یا منفی. اندیشه سیاسی وی از مبانی انسان‌شناسی او سرچشمه می‌گیرد که بر پایه توحید و عقل و اراده فرد نشأت می‌گیرد و خداوند او را آزاد آفریده و او را تکریم نموده و به او اندیشه داده تا بتواند برای زندگی خود تصمیم بگیرد، بنابراین جامعه باید وسیله‌ای برای زندگی بهتر افراد باشد تا بتوانند آزادی‌های معقول را بدست آورند. در این اندیشه، همه افراد با هم برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد حتی اینکه خداوند ملاک برتری را در تقوا قرار داده است (رهبر و ملک‌زاده، ۱۳۸۹).

این بدان معناست که از حقوق اجتماعی بالاتری برخوردار باشد. حکومت نیز وظیفه دارد که افراد جامعه را بدان سو هدایت نماید، البته رهبران و دانشمندان افرادی از جامعه هستند که بیش از دیگران مسئولیت داشته و در جامعه تأثیرگذارند، در ایجاد سنت‌ها و عرف و عادت در جامعه نیز تأثیرات فردی حاکم است. از آنجایی که یک خصلت از فرد یا گروهی کوچک شروع می‌شود و به مرور به یک رفتار اجتماعی تبدیل می‌شود، نقش آموزش در جامعه نیز توسط افراد انجام می‌شود یعنی عنصر فردی در آن تأثیر دارد، همچنین خواست و اراده افراد جامعه، امام علی (ع) برای آن پیامبران را مثال می‌زند و این که زمانی که مردم به دعوت آنان جواب مثبت داده و از آنان پیروی می‌کنند جامعه‌ای عدالت منش ایجاد می‌کنند و زمانی که مردم جامعه بر اثر غرور و خودپسندی از آن ارزش‌ها فاصله می‌گیرند شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، جامعه آنان را دچار تفرقه و ظلم می‌کند. وی وجود رهبران حکومتی را بیش از دیگران مؤثر می‌داند و برای ساختن جامعه آرمانی، برای حاکمان شرایطی را در نظر می‌گیرد که علم و تقوا اصلی‌ترین شاخصه آن می‌باشد و اگر رهبر جامعه شرایط لازم را نداشته باشد، جامعه دچار فسادهای گوناگون و ظلم خواهد شد (همان).

امام علی (ع) بخشی از اندیشه خود را با رفتار و سیره خویش بیان می‌کند. او یک الگوی تمام عیار فردی در جامعه است که با وجود اینکه حاکم و رهبر جامعه می‌باشد به کمترین خوراک و پوشاک اکتفا می‌کند، به برادرش عقیل حاضر نمی‌شود سهمی بیشتر بدهد با وجود اینکه می‌گوید فقر و گرسنگی از چهره زرد فرزندان او مشخص بود، از مردم می‌خواهد با صراحت با او سخن گفته و او را در هدایت جامعه کمک کنند. امام علی (ع) در جواب تأثیر جامعه بر فرد، آن را رد نمی‌کند و می‌گوید در جامعه ناسالم بزرگان احترام نمی‌شوند و دانشمندان آن نیز به حاشیه رانده می‌شوند، اما باز این کارها نیز به خواست افراد جامعه می‌باشد و فرد اگر نتواند در چنین جامعه‌ای زندگی خود را ادامه دهد و یا از خصلت‌های بد آن مصون بماند، لازم است که از آن جامعه مهاجرت نماید. خلاصه اینکه امام علی (ع) اصالت را به فرد داده، چه اوست که در برابر اعمال خود، هم در برابر خداوند و هم در برابر دیگر

افراد جامعه مسئول است و همه خصلت‌های جامعه، خُرد یا کلان بسته به خواسته و اراده افراد آن جامعه می‌باشد و جامعه به خودی خود نمی‌تواند هویتی جدا از افراد داشته باشد(همان).

آزادی سیاسی در اندیشه و سیره امام علی (ع)

آزادی سیاسی یکی از مهم‌ترین مفاهیم کلیدی علوم سیاسی و از نیازهای اساسی در حقوق مدنی و سیاسی به حساب می‌آید. امام علی (ع) حکومت را امری زمینی و مدیریت بشر بر بشر و متعلق به مردم و امانتی الهی-مردمی در دست زمامداران معرفی می‌کند و برای فرمانبران و فراتر از آن انسان‌ها، احترام و جایگاه رفیعی قائل بود و مشارکت مردم در انتخاب حاکم و تعیین سرنوشت سیاسی خود و مشورت در اداره جامعه را حق، بلکه تکلیف مسلم و الهی مردم تلقی نموده و نظر اکثریت و افکار عمومی را صائب و معتبر و ملاک تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود قرار داده و از آن پیروی می‌کرد. از این رو با اقبال مردم به صحنه سیاست وارد می‌شود و با ادبار آنان صحنه سیاست را ترک می‌کند و در عصر حکمرانی علی‌رغم خواست خود به خاطر مردم حکمیت تحمیلی را می‌پذیرد و در بسیاری از تصمیمات خود به رغم اطمینان به صحت آن‌ها، تجدید نظر می‌کند. الگوی آزادی سیاسی که از آراء و عقاید سیاسی و سیره حکمرانی حضرت علی (ع) استنتاج می‌شود واجد دو وجه و عنصر مردمی و الهی است. در زمینه بُعد مردمی، مبانی نگرش حضرت علی (ع) به آزادی سیاسی در چارچوب صبغه الهی آن معنا و مفهوم می‌یابد. به عبارت دیگر، زیربنا و خاستگاه رویکرد مردمی حضرت علی (ع) به حکومت و مردم را وجه الهی آن تشکیل می‌دهد و این نکته وجه بنیادین تمایز آزادی سیاسی از منظر اسلام عموماً و دیدگاه حضرت علی (ع) خصوصاً با مکاتب و افرادی دیگر محسوب می‌شود. از منظر حضرت علی (ع) وجوه الهی و مردمی حکومت از هم گسست‌ناپذیرند و نمایانگر دو بعد از حقیقت واحدند و همواره میان آن‌ها دو تعامل و تأثیر متقابل و وابستگی وجود دارد (محسنی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۸).

حکمرانی امام علی (ع)

یکی از مسائل مهم جهان روز، تغییرات سریع دولت و فرآیندهای حکمرانی و مدیریت است. نارسایی‌های حکمرانی خوب سبب شد که مفهوم حکمرانی جامع و مدل حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع) تدوین شود (خاشعی و هرندی، ۱۳۹۳). در اندیشه سیاسی و سلوک حکومتی امام علی (ع) نقش اصلی و کلیدی در حکومت از آن مردم است؛ بدین معنی که حکومت بدون مردم و بدون خواست آنان تحقق نمی‌یابد و بدون اقبال و رأی مردم، مشروعیت سیاسی پیدا نمی‌کند و بدون حضور و مشارکت همه جانبه مردم به درستی اداره نمی‌شود و فارق از محور قرار دادن مردم، حکومت سلامت نخواهد داشت. بنابراین مردم نقشی ایجاد، بقایی و اصلاحی دارند و تحقق حکومت و صلاح و سامان و پابرجایی و سیر به سوی اهداف آن به مردم بسته است (دلشاد تهرانی،

۱۳۷۹). نهج‌البلاغه بیانیه حکومتی شیعیان نیز به حساب می‌آید. این کتاب از سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار تشکیل شده است و نگارش نامه‌های امام علی (ع) در وضعیت تسلط ایشان به قدرت سیاسی و اداره جامعه و توجه به امر سیاسی و سیاست صورت گرفته است. این نامه‌ها مشتمل بر فنون حکمرانی در دنیای سرشار از رقابت سیاسی است و فرضیه‌های رقیب را رد می‌کند (بامری و همکاران، ۱۳۹۶).

جدول ۱: فنون حکمرانی عملی امام علی (ع) (همان، ۹۹)

فنون حکمرانی	فنون مطلوب	فنون غیریت‌گرا	فنون جایگاهی
تعریف	خودی، تکنیک‌های متعالی امر سیاسی	فنون دیگری، فنون رو در رو	متناسب با جایگاه نقش افراد
شاخص‌های درونی	عدالت، آزادی و برابری انسان‌ها	نقد رویکرد ماکیاولستی	خدمت به مردم
نمونه عینی	نامه به مالک اشتر	نامه به معاویه	نامه به کارگزاران

علی (ع) در مدت کوتاه، فنونی را به اجرا گذاشت که تا امروز مورد توجه سیاستمداران و سیاست‌پیشگانی است که تلاش می‌کنند آرمان‌ها را با واقعیات تلفیق کنند. علی (ع) با کاربرد فنون قدرت، آشنایی و تسلط خود بر فرمانروایی را به عنوان حکمرانی واقع‌گرا به نمایش گذاشت (همان، ۹۹).

سیره تربیتی امام علی (ع) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی-ایرانی سیره و ساحت‌های تربیتی: اعتقادی، عبادی و اخلاقی / اجتماعی و سیاسی / زیستی و بدنی / اقتصادی و حرفه‌ای / زیبایی‌شناختی و هنری و علمی و فناورانه (ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۸):

الف) اعتقادی، عبادی و اخلاقی: رعایت اصول و آداب اخلاقی / حفظ کرامت و عزت نفس / تعالی ارزش‌های دینی / ارزش‌های عام انسانی / تلاش برای ارتقای معنوی / خودشناسی / عدالت محوری / توجه کردن به ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیرالهی / اقدام به عمل برای خدا / ناظر دانستن خداوند در همه احوال، محوریت دین در همه امور زندگانی / تقوا / جهاد با نفس / عبادت و تقید به احکام دینی / پرهیز از عجب و خودپسندی / پرهیز از ستم / تواضع / پاکدامنی.

ب) اجتماعی و سیاسی: ارتباط با دیگران / ارتباط با خانواده / کسب دانش و مهارت‌های اجتماعی / مشارکت اجتماعی / وفاق و همدلی / جلوگیری از خودکامگی و استبداد / مسئولیت‌پذیری و اصلاح خود و جامعه / حق‌طلبی / اصلاح شرایط.

ج) زیستی و بدنی: حفظ بهداشت زیستی / آرایش ظاهری / استحمام بدن / منابع طبیعی / احترام به طبیعت / بصیرت نسبت به سبک زندگی.

د) اقتصادی و حرفه‌ای: حفظ و توسعه ثروت/ اقتصاد و معیشت/ قوانین کسب و کار/ پرهیز از بطالت و بیکاری/ توجه به کارآفرینی/ پرهیز از اسراف و تبذیر/ مراعات قوانین و احکام معاملات/ مشارکت سازنده/ رعایت عدالت و انصاف در معاملات.

و) زیبایی‌شناختی و هنری: خیال‌پردازی و عواطف/ آرامش روانی/ درک موضوعات ذهنی/ سعه صدر/ ارزش‌مداری.
ه) علمی و فناوری: درک و کشف پدیده‌ها/ تلفیق علم و فناوری/ تفکر علمی و منطقی/ فهم و درک دانش/ تحول در دانش/ تلفیق علم و عمل/ حقیقت‌جویی.

ارتباط بین دین و سیاست در نهج‌البلاغه و نگاه علی (ع)

ارتباط دین و سیاست را در نهج‌البلاغه نمی‌توان به عنوان یک مفهوم یک بعدی مطرح نمود، چرا که هر یک از این دو دارای مفاهیم عمیق و گسترده‌ای هستند که به دلیل ارتباط دوسویه با یکدیگر، در تمامی عرصه‌های مرتبط با هم، قابل بحث و طرح هستند. تعریف سیاست در منظرامام علی (ع) که با بسیاری از تعاریف دیگر بسیار متفاوت است، خود نشان از کارآمدی مستقیم دین در این مسئله دارد. ایشان سیاست اصلی حکومت خویش را بر مبنای عدالت اجتماعی، اقتصادی و احیای ارزش‌های دینی و اخلاقی بنا نهاد و حاکمیت را نه سلطه‌گری که مسئولیت و امانت الهی می‌دید. سایر جنبه‌های ارتباط دین و سیاست در شخصیت ایشان به عنوان «حاکم جامعه اسلامی» نمایان می‌شود که در سه بخش سیره اخلاقی، اجتماعی و سیاسی به آن پرداخته شده است. نگرش دینی به کلیه مسائل از جمله سیاست، رنگ و بوی دینی می‌بخشد. نهج‌البلاغه که بیانگر احوال و سخنان گرانمایه امام علی (ع) است، سرشار از مطالبی است که نشان‌دهنده آمیختگی دین و سیاست می‌باشد و نمود آشکار آن در شخصیت و سیره عملی مولای متقیان مبین آن است که ایشان در کوچک‌ترین مسئله زمامداری، با مسامحه برخورد نکرد و از سیاست به عنوان ابزاری جهت نیل به اهداف دین مبین اسلام بهره‌گرفت (رایجی پارسایی و همکاران، ۱۳۹۳).

دولت اخلاقی امام علی (ع)

مهم‌ترین وظایف علوی در عرصه سیاست، استقرار دولت حق و اصلاح دولت‌های باطل و ارائه دولتی مبتنی بر آموزه‌های نبوی، گسترش عدالت و ایجاد قسط، تثبیت صلح و امنیت داخلی و بین‌المللی و رفع اختلاف‌ها و ستیزه‌ها است. در زمینه فرهنگی و دین نیز رشد و تعالی اخلاقی و معنوی مردم، ترویج فضایل اخلاقی و ریشه‌کن شدن رذایل، حاکمیت آیین اسلام و توحید و یکتاپرستی، جلب رضایت عمومی، توسعه و پیشرفت علم و دانش و شکوفایی اندیشه و خرد و ایجاد آرامش روحی و روانی و ... بدست خواهد آمد. از نظر اقتصادی و عمرانی نیز بشر شاهد برنامه‌ریزی جهت وفور نعمت و برکت، حیات مجدد و متکامل در روی زمین، رونق کشاورزی، رفاه و آسایش بشری، عمران و آبادانی‌های زمین و شهرها و ... خواهد بود (یوسف‌وند، ۱۳۸۸).

اخلاق از منظر امام علی (ع) (حمایت اخلاق محور)

حیات اجتماعی انسان به تعادل و اصول اخلاق وابسته است. منظومه شمسی وقتی حیات بخش است که در مدار و حرکت سیاره‌های آن تعادل برقرار باشد. درخت وقتی در حال رشد و سرسبزی و حیات است که در بین اجزای آن ریشه، ساقه، شاخه و برگ، تعادل برقرار باشد. انسان هنگامی زنده است که توازن در ضربان قلب، گردش خون و تعادل در بین حواس و دست و پا و صدها عضو دیگر برقرار باشد. جامعه بشری نیز وقتی به حیات خود ادامه می‌دهد که تعادل در بین آحاد آن برقرار باشد و این تعادل جز در پرتو اخلاق صورت نمی‌پذیرد (خیراللهی و خیراللهی، ۱۳۹۵). از به هم تنیدن محورهای گوناگون مباحث اخلاق در آموزه‌های امیرمؤمنان (ع) مؤلفه‌هایی بدست می‌آید که عصاره نگاه ایشان به اخلاق است؛ تقریباً همه اجزای این مبحث، از سخنان امام (ع) بدست آمده است: اخلاق به نفس تعلق داشته، ضمن نمود در رفتارها، قابل توصیف به سلامت، فساد، خوب و بد است. ادب جلوه‌ای از اخلاق است و واژه شمه معادل آن بوده و از واژه غرایز برای تبیین مصادیقش بهره برده می‌شود. به دلیل برخورداری از خاصیت اثرپذیری، قابل آموزش و پیروی است. از این رو، برخی عوامل سبب بهبود یا فساد آن می‌گردند، بنابراین داشتن مراتب تشکیکی و دگرگونی و تضییع، از دیگر ویژگی‌های آن است. اخلاق نیکو با دارا بودن منشأیی الهی، از نتایج عقل بوده که به تمرین و عادت نیاز دارد و اخلاق‌های خوب با یکدیگر همزاد و همراهند. با آنکه اخلاق بد در وجود همه هست، اما از نتایج جهل بوده و نیازمند مدیریت و دوری‌گزینی است. مصادیق اخلاقی، قابل تبیین و توضیح است. برخی از آن‌ها در قالب بهترین و برترین‌های اخلاقی جای می‌گیرند و بخش دیگری در ارائه تبیین مصادیق اخلاقی، ضمن آنکه می‌توان شاخصه‌هایی را برای گروه‌های خاص اجتماعی بیان کرد (حاجیلوئی محب، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

اخلاق مانند هر مزیت بشری، متعدد است ولی تلاقی و همگن کردن آن با موازین عرفی و شرعی در دین مبین اسلام موضوعیت دارد. با بررسی تمام ابعاد اخلاقی‌گری و سیاسی‌گری حضرت علی (ع) و کتاب نهج‌البلاغه به رویکرد ایشان به اخلاق و سیاست در حوزه تولید قدرت نرم، اصول اخلاقی و تربیتی برخورد با دشمنان، آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی مدیران، اخلاق سیاسی، ویژگی‌های نخبگان سیاسی، اصالت فرد در اندیشه سیاسی، آزادی سیاسی، حکمرانی، فنون حکمرانی، سیره تربیتی امام جهت زندگی اسلامی- ایرانی، ارتباط بین دین و سیاست، دولت اخلاقی و اخلاق از منظر امام علی (ع) می‌توان برداشت کرد، توحید و حق‌طلبی، عدالت، معاد، رهنمایی (پیشوایی)، وفای به عهد از مهم‌ترین محورهای کلان مورد بررسی می‌باشند. به نظر می‌رسد پیروی از اصول دین و فروع دین خود ملاک برتر اخلاق و سیاسی‌کاری است و برای رسیدن به یک حکمرانی متعالی و

خوب باید از مؤلفه‌های نهفته در هر یک از این اصول بهره برده شود. بنابراین اخلاق نیکوی او زبانزد مردمان است تا آنجا که دشمنانش که نتوانسته‌اند بر او خرده‌ای بگیرند، این صفت را عیبی برای آن حضرت برشمرده‌اند. یاران وی در این باره گفته‌اند: او همچون یکی از ما و در میان ما می‌زیست. نرم‌خو و بسیار متواضع و آسان‌گیر بود و با این وجود ما در برابر او مانند اسیری بودیم که دست‌هایش بسته و بر بالای سرش شمشیری گرفته بودند و از هیبت او هراس داشتیم.



منابع

- عایدی، علی (۱۳۷۹). "اهتمام به دین در حکومت علوی"، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۸.
- پویا، مریم و صیادی، حسینعلی (۱۳۹۵). "اخلاق سیاسی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه"، کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران.
- پروانه‌زاد، الناز و میراحمدی، منصور (۱۳۹۱). "نسبت اخلاق و امر سیاسی در منظومه فکری امام علی (ع) با رویکرد به کلام ۲۱۶ نهج‌البلاغه"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، ۲۷-۵۲.
- مولوی، محمد (۱۳۹۵). "اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی (ع)"، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۸-۱.
- درخشه، جلال (۱۳۹۱). "نسبت اخلاق و سیاست از دیدگاه امام علی (ع)"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، ۳۷-۵۵.
- سلطان محمدی، حسین و سلطان محمدی، فاطمه (۱۳۹۱). "تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت"، پژوهشنامه علوی، دوره ۳، شماره ۵، ۹۱-۱۱۶.
- مشکوری، حامد و صدرا، علیرضا (۱۳۹۵). "راهبردهای اخلاق سیاسی در اسلام"، فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، ۱۴۱-۱۵۷.
- شنایی، اشرف‌السادات و طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۸). "رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست و کارکرد آن در تولید قدرت نرم"، فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق‌پژوهی، سال دوم، شماره پنجم، ۱۲۳-۱۴۵.
- احمدیان احمدآبادی، اکرم و فراهتی، عباسعلی (۱۳۹۴). "اصول اخلاقی و تربیتی برخورد با دشمنان در سیره امیرمؤمنان (ع)"، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۱، ۳۳-۴۹.
- صفی‌لو، صابر؛ صائینی، محمدحسین و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۹). "آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی مدیران در اندیشه و سیره امام علی (ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه"، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال نوزدهم، شماره ۱۱، ۳۶-۶۵.
- نازی، نجات (۱۳۸۲). "صفات اخلاقی مدیران از دیدگاه حضرت علی (ع)"، طب و تزکیه، شماره ۵۰، ۱۰۶-۱۲۴.
- رهبر، عباسعلی و ملک‌زاده، علی (۱۳۸۹). "اصالت فرد در اندیشه سیاسی امام علی (ع)"، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۳ (۱۳)، ۱۶۷-۲۰۲.
- شریفی، عنایت‌الله (۱۳۸۹). "اخلاق سیاسی از منظر نهج‌البلاغه"، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۳.

- محسنی، علی و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۸) "بررسی مبانی و الزامات آزادی سیاسی در اندیشه و سیره امام علی (ع)"، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال ۱۸، شماره ۶۰، ۳۱-۴۸.
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر و ولی‌پور چهارده چریک، فلور (۱۳۹۴). "نگرش عرفانی به هستی‌شناسی امام علی (ع)"، فصلنامه عرفان اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۶۲-۱۴۷.
- خاشعی، وحید و هرندی، عطاءاله (۱۳۹۳). "تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا"، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، ۸۵-۱۱۰.
- شریفی، محمد و فائق، مجتبی (۱۳۹۴) "آسیب‌شناسی خواص و رویکرد سیاسی کارگزاران حکومت نسبت به آنان از دیدگاه نهج‌البلاغه"، فصلنامه النهج، شماره ۴۷، دوره ۱۳، ۱۷۵-۱۹۸.
- بارانی، فاطمه؛ بارانی، سمیه و پورشافعی، هادی (۱۳۹۴). "اخلاق سیاسی حاکمان در نهج‌البلاغه"، همایش ملی مدیریت و آموزش، ملایر.
- بهشتی، احمد و صدریه، پیام (۱۳۸۹) "اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج‌البلاغه"، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال هشتم، شماره ۳۰.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). "اخلاق سیاسی از دیدگاه امام علی"، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره پانزدهم، ۸۵-۱۱۸.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۰). "ویژگی‌های نخبگان سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)"، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره سوم، ۴۵-۶۶.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). "حکومت حکمت: حکومت در نهج‌البلاغه"، تهران: دریا.
- بامری، نصرت؛ مشهدی، مرتضی و اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۶). "سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی (ع) مطالعه موردی: حکومت‌مندی در نامه‌های نهج‌البلاغه"، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹، ۸۳-۱۰۰.
- ترکاشوند، سینا؛ صالحی، اکبر و کشاورز، سوسن (۱۳۹۸). "تبیین سیره تربیتی امام علی (ع) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی-ایرانی"، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال هفتم، شماره ۲۸، ۳۹-۵۶.
- رایجی پارسایی، نرگس؛ فغان نومی، فاطمه و کاردل، آتنا (۱۳۹۳). "ارتباط بین دین و سیاست در نهج‌البلاغه و کارکردهای آن"، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، شماره ۳۰.
- دلشاد تهرانی، مصطفی و حامی، مژگان (۱۳۹۵) "آسیب‌شناسی عملکرد خلفای سه‌گانه بر اخلاق اجتماعی مسلمین با تکیه بر نهج‌البلاغه"، فصلنامه النهج - پژوهش‌های نهج‌البلاغه، دوره ۱۴، شماره ۴۹، ۷-۲۲.

یوسف‌وند، محمود (۱۳۸۸) "دولت اخلاقی از منظر امام علی (ع)"، پگاه حوزه، شماره ۲۶۲.
خیراللهی، زهرا و خیراللهی، محمود (۱۳۹۵) "پشتوانه‌های اخلاق از دیدگاه امام علی (ع)"، فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال پانزدهم، شماره ۵۰، ۷۳-۵۵.
حاجیلوئی محب، محمدمهدی (۱۳۹۶) "چیستی اخلاق از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)"، کنگره بین‌المللی فرهنگ
و اندیشه سیاسی، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.



The role of political ethics in the model of governance and management of Imam Ali (AS)

Pouria Farahgol⁴, Arezo salhyfar, Fatemeh Zare' Moayyedi

Abstract

Ethics, like strategy, has many definitions and can be interpreted according to the number of people in the world. One of the things that ethics finds a lot in the arena of politics is politics. Political ethics is something that seems necessary given the changes in the world today. Since the Shiites of the world follow the example of Mawla Ali (AS) and his teachings, so it is better to use his mechanisms in the field of becoming the queen of political ethics. In this article, several topics in this field were addressed through library and review methods. With different study sources, it was found that all the studied components follow with a deep understanding of the principles of religion and the sub-principles of religion, as well as the variables hidden in them.

Keywords: ethics, politics, political ethics, governance and management, Imam Ali(AS)

4 - M.Sc., Department of Industrial Management, Faculty of Economics and Management, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Fars, Iran